

# جوانان حکمتیست ۲۰

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

سرمدیر: فواد عبدالله foadsjk@yahoo.com  
دیر سازمان: بهرام مدرسی bahramsjk@yahoo.com



۱۳۸۳ - ۱۱ ژانویه ۲۰۰۵ www.sjk-hekmatist.com سه شنبه ما منتشر می شود



## کلارا چگینی

مبارزه علیه مذهب و بخصوص دین کثیف اسلام یک وظیفه همیشگی و تعطیل ناپذیر ما جوانان حکمتیست و آزادیخواه، برابری طلب و آته ایست است. تشدید مبارزه علیه این اندیشه و جنبش فوق العاده ارتجاعی و ضد بشری یک وظیفه فوری و عاجل ما است. اسلام امروزه طرفدار و حامی کثیف ترین ارزش ها و عملکردهای ضد بشری است. جنبش اسلام سیاسی امروزه در کشورهایی مثل ایران، عراق، عربستان امنیت و آرامش را حتی در خصوصی ترین جنبه های زندگی از انسان امروز و بخصوص زنان و جوانان سلب کرده است. چند روز پیش مطلبی خواندم که در آن آیت الله سیستانی در مورد چت کردن دختران و پسران، معامله لباس، بازدید از سایتهای "متبدل" در اینترنت و... اظهارات نظر کرده و هشدار داده بود. راستش جواب دادن به این خرافت کار ساده ای است. اما دوست دارم با چند پاراگراف از جملات صادق هدایت از کتاب معروفش "توپ مرواری" به صورت کلی اسلام و قوانین اسلامی را به آتش و لجن کشم:

"اگر خدا وجود داشت دیگر احتیاجی به کشیش و آخوند و خاخام و مسجد و کلیسا و کنیسه

## "تقدیم" به آیت الله سیستانی!

است که بشر برای تبرئه خود قالب زده و گشادترین کلاهی است که بسر خودش گذاشته است. فقط بدین وسیله نمایندگان آن به اقتضای زمان در خر کردن مردم و سوار شدن بر گرده آنان کوشیده اند. کدام مذهب است که توانسته باشد پنج دقیقه از شرارت بشر بکاهد؟ برعکس می بینیم همیشه تعصب و خرافات و حماقت بشر را برای پیشرفت مقاصد خود دست آویز قرار داده و یک میانجی کشیش یا آخوند لازم دارد که کلاه مردم را به امید بهشت و بیم دوزخ بردارد و به ریششان بچندد. مذهب ما میانجی لازم ندارد.

"میان خودمان بماند، مگر برای ما چه آوردند، مذهب آنها سیکیم خیاردی است. معجون دل بهمزنی از آراء و عقاید متضادی است که از مذاهب و ادیان و خرافات سلف هول هولکی و هضم نکرده استراق و بی تناسب بهم در آمیخته شده است و دشمن ذوقیات حقیقی آدمی و احکام آن مخالف با هر گونه ترقی و تعالی اقوام و ملل است و به ضرب شمشیر به مردم زور چپان کرده اند، یعنی شمشیر بران و کاسه گدائی است. یا خراج



## در مقابل شان محکم می ایستیم!

### سروش دانش

دوستان جوان من! اینترنت مقابل جمهوری اسلامی و تعرض آن به زندگی و قدرت انتخاب جمهوری اسلامی بار دیگر دست به فیلترینگ چندباره زده است. این بار صفحه اورکات و چند سایت پرطرفدار دیگر مورد هجوم الکترونیک قرار گرفته است. این توهینی بزرگ به شخصیت و خواست ما جوانان است و هر روزه ابعاد بزرگتری هم به خود می گیرد چرا ما نمی توانیم مانند یک جوان اروپایی آزادانه به هر سایتی که خواستیم سر بزنیم؟ این فقط در مورد سایت ها صدق نمی کند از نظر حامیان اسلام سیاسی رابطه داشتن با جنس مخالف حرام است چیزی که برای ذهن آزاد ما خنده دار و مسخره است. اما اگر آنها را آسوده بگذاریم و در مقابل تعرضات شان به زندگی هر روزه مان نایستیم می خواهند همین زندگی را هم از ما دریغ کنند

سایت اورکات سایت شاد، فعال و سرزنده ای است که ما جوانان همپای دیگر جوانان در سراسر دنیا به آن پیوستیم و از امکانات آن استفاده می کنیم. حال چرا "قاضی مرتضوی" باید بتواند با یک دستور شفاهی این سایت را از ما بگیرد البته هنوز همه سرورها دست به فیلتر این سایت زده اند و فقط بعضی شرکت های دولتی مثل پارس آنلاین، سایت اورکات را فیلتر کرده اند اما این هم مانند قبل زمانی نمی برد تا همه گیر شود اگر در مقابل حامیان جمهوری اسلامی ایستادگی نکنیم، خواست آنها فقط باز شدن چند سایت حدیث و قرآن است. آنها می بینند که جوانان حال حاضر ایران برعکس تبلیغاتی که برای دین می شود به آن روی خوشی نشان نمی دهند از این رو می خواهند با زور و اجبار آنها را به سمت دین و قرآن و حدیث و وقایع هزار و چهارصد سال پیش برگردانند خودشان هم می دانند که شکست می خورند

این حق ماست و باید آنرا در ریاپردازان آن باز پس بگیریم



و جزیه بیت المال مسلمین را بپردازد یا سرتان را می بریم. هر چه پول و جواهر داشتیم پرستی و گریه و گدائی و تاسف و چاپیدنند، آثار هنری ما را از میان بردند و هنوز هم دست بردار نیستند. هر جا رفتند همین کار را کردند. همه چیز را از ما گرفتند و به جایش فقر و پریشانی و مرده چه پول و جواهر داشتیم اطاعت از خدار غدار و قهار و آداب کونشوئی و خلا رفتن برایمان آوردند. همه چیزشان ←

## زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

# جوانان در کردستان بخش چپ، میلیتانت و پرشور جامعه!



مصاحبه با حسین مرادیگی  
(حمله سور) دبیر کمیته  
کردستان حزب حکمتیست

جوانان حکمتیست لطف کنید از موقعیت جوانان در کردستان بگوئید، از خواسته ها و مطالباتشان، نقش و اعتراضاتشان؟

حمله سور، جوانان در کردستان ایران مانند دیگر نقاط ایران، بخش پرشور، چپ، میلیتانت و رادیکال این جامعه را تشکیل می دهند. آنها پیش از هر نوع مبارزه و اعتراضی علیه جمهوری اسلامی و علیه سنتهای عقب مانده و علیه جهل و خرافه اسلامی موجود در جامعه کردستان در گذشته در جریان اعتراضات سال ۵۷ نیز این را شاهد بودیم. اولین اعتراض به رژیم سابق نیز از جانب جوانان و بویژه دانشجویان و دانش آموزان شروع شد سال ۵۸ در دوره مقاومت در مقابل یورش مزدوران خمینی به مردم کردستان ایران با فراخوان کمیته دانش آموزان شهر سنج، هزاران نفر از مردم این شهر به خیابان آمدند بعد از فرمان حمله خمینی به مردم کردستان ایران، عمده نیروی مقابله با یورش نظامی جمهوری اسلامی را چه در عرصه سازماندهی اعتراضات توده ای شهری و بعدها در عرصه نظامی، جوانان شهرها و روستاهای مختلف کردستان ایران تشکیل میدادند نیروی اصلی سازماندهی دفاع شهری، و گردانندگان اصلی شوراها و بنکهای محلات، جوانان شهرهای مختلف کردستان ایران بودند به همین دلیل جوانان آماج بیشترین حملات از جانب رژیم کشتار و جنایت بوده اند در بیش از دو دهه اخیر بیشترین اعدامها را رژیم در میان نسل جوان انجام داده است با اینحال، این

نسل، بویژه نسل بعد از انقلاب، مرعوب جمهوری اسلامی نشد، خود را به آخوند و اسلام بدهکار ندید، این نسل از آخوند و اسلام متنفر است، و مقابله شبانه روزی خود را با جمهوری اسلامی تا آخر ادامه خواهد داد. نسل جوان تنها هدف اعداها و سرکوبهای حکومت اسلامی نبوده است، در کردستان نیز مانند دیگر نقاط ایران، جوانان زیر فشار روانی شدید و همزمان بیکاری، اعتیاد، و دهها مصائب دیگری بوده و هستند که مستقیماً جمهوری اسلامی به آنان تحمیل کرده است. به این دلیل خلاصی از چنگ حکومت اسلامی هدف و خواست جوانان است. رژیم اسلامی و تماماً وحشی که مدام جامعه را تحقیر میکند، که احساس خلاقیت و شور و سرزندگی را از آدمها و بویژه از نسل جوان میگیرد، در نتیجه آدمها بدنبال تخریب خود از درون میروند، به اعتیاد پناه میبرند، به خودکشی و تخریب خود از درون پناه میبرند جوانی که در بهترین دوران زندگی خود از حق شادی محروم است، از حق لذت بردن از زندگی خود، از گذاشتن دست خود، پسر یا دختر، در دست دوست دختر یا پسر خود محروم است و بهای آن را باید با شلاق و زندان بپردازد، از ابراز آزاده عشق و رابطه جنسی محروم است، در دیوار آپارتمانی جنسی محصور شده است، حتی خندیدن با صدای بلند را نیز باید فروببورد، سرنگونی و بیزیر کشیدن جمهوری اسلامی برایش صرفاً یک تعویض رژیم نیست، بمعنی خلاص شدن، رها شدن از این جهنم اسلامی است که به او تحمیل کرده اند بمعنی جدائی دین از دولت، بمعنی عدم دخالت دین در حیات جامعه و در مسائل شخصی و زندگی خصوصی آدمهاست، بمعنی آزادی دین و آزادی بی دینی است، بمعنی جوار کردن جهل و خرافه و فرهنگ پوسیده و خرافی اسلام و مذهب است در دخالت در آموزش و پرورش، بمعنی رها شدن از هر نوع قید و بند اخلاقی است، بمعنی زندگی مدرن، جامعه ای سکولار، زندگی آزاد و برابر و بدخواه خود است اینها

خواست جوان مدرن و سکولار امروز جامعه کردستان و ایران است. به این دلیل نسل جوان نیروی فعاله و خستگی ناپذیر مقابله و مصاف با جمهوری اسلامی است. در بیش از دو دهه اخیر نسل جوان در صف مقدم و مبتکر برگزاری جشنهای اول ماه مه ها و روزهای ۸ مارس و هر نوع اعتراضی علیه جمهوری اسلامی بوده است، و جوانان در هر مبارزه و اعتراضی جمهوری اسلامی را هدف گرفته اند. آرزوی جوانان، خواستههای جوانان تا زمانی که رژیم اسلامی گلوی جامعه را میفشارد، جامعه و آدمها را تحقیر میکند، بر آورده نمیشود. به این دلیل این نسل از بیزیر کشیدن هیولای اسلامی دست نمیکشد، این نسل سرانجام پشت جمهوری اسلامی را بخاک می مالد.

**جوانان حکمتیست: آیا وضع کردستان مشابه نقاط دیگر است، تمایزها و ویژگی های خاص کردستان چیست؟**

حمله سور، در کردستان ایران نیز جوانان تحت تاثیر فضای فکری و سیاسی و فرهنگی و حتی هنری که در دیگر نقاط ایران و آنچه که در محیطهای سیاسی و فکری در دانشگاهها، در شهرهای بزرگتر و بویژه آنچه که در تهران میگذرد، بوده و هستند فراتر از این، جوانان در کردستان و در ایران نیز مانند دیگر نقاط جهان تحت تاثیر تحولات فرهنگی جهانی هستند که جوانان را در سطح جهان تحت تاثیر خود قرار میدهد انقلاب انفورماتیک و رشد سریع کامپیوتر و اینترنت دست جوانان را در سراسر جهان در دست هم گذاشته است. جوان مدرن و سکولار در کردستان و در ایران غربی فکر میکند، عمدتاً تلاش میکند تا خود را به آن سطح برساند تا اینکه خود را اسیر محیط عقب مانده دور و بر خود کند. به این دلیل در ایران، حکومت اسلامی نه تنها از جوانان که از ماهواره و سایت و وبلاگ و اینترنت که افکار عمومی و بویژه جوانان را در سراسر دنیا بهم وصل میکند، شديدا وحشت دارد. همزمان با درگیری شبانه روزی اش با جوانان، کار دیگرش هم بستن و شکستن و اتمام

## تقدیم" به ...

آمیخته به کثافت و پستی و سود پرستی و بی ذوقی و مرگ و بدبختی است. چرا ریختنشان غمناک و مودی است و شعرشان مرثیه و آوازشان چسناله است؟ چونکه با ندبه و زوزه و پرستش اموات همه اش سر و کار دارند. برای کسی که هزار سال پیش به طمع خلافت ترکیده زنده ها باید تمام عمر بسرشان لجن بمالند و گریه و زاری بکنند. در مسجد مسلمانان اولین برخورد با بوی گند خلا است که گویا وسیله تبلیغ برای عبادتشان و جلب کفار است تا با اصول این مذهب خو بگیرند. بعد حوض کثیفی که دست و پای چرکین خودشان را در آن می شویند و به آهنگ نعره موءن، روی زیلوی خاک آلود دولا و راست می شوند و برای خدای خون خوارشان مثل جادوگران ورد و افسون می خوانند. عید قربان مسلمانان با کشتار گوسفندان و وحشت و کثافت و شکنجه جانوران انجام می گیرد. خدای جهودی آنها قهار و جبار و کینه توز است و همه اش دستور کشتن و چاپیدن مردمان را می دهد و پیش از روز رستاخیز حضرت صاحب را می فرستد تا حسابی دخل امتش را بیارود و آنقدر از آنها قتل و عام بکند که تا زانوی اسپش در خون موج بزند. تازه مسلمان موءمن دو آتشفشان است.

است که به امید لذت های موهوم شهوانی و شکم پرستی آن دنیا با فقر و فلاکت و بدبختی عمر را به سر برد و وسائل عیش و نوش نمایندگان مذهبش را فراهم بیارود. همه اش زیر سلطه اموات زندگی می کنند و مردمان زنده امروز از قوانین شوم هزار سال پیش تبعیت می نمایند، کاری که پست ترین جانور نمی کند. عوض اینکه به مسائل فکری و فلسفی و هنری بپردازند، کارشان این است که از صبح تا شام راجع به شک میان دو و سه و استحضار قلبیه و کثیره و متوسط بحث کنند. این مذهب برای یک وجب پائین تنه از جلو و عقب ساخته و پرداخته شده، انگار که پیش از ظهور اسلام نه کسی تولید مثل می کرده و نه سر قدم می رفته. خدا آخرین فرستاده برگزیده خود را مامور اصلاح این امور کرد. تمام فلسفه اسلام روی نجاسات بنا شده، اگر پائین تنه را از آن بگیرند اسلام روی هم می غلتد و دیگر مفهومی ندارد. سر تاسر ممالکی را که فتح کردند، مردمش را به خاک سیاه نشانند و به نکبت و جهل و تعصب و فقر و جاسوسی و دو روئی و تقیه و دزدی و چاپلوسی و کون آخوند لیبسی مبتلاء کردند و سرزمینش را به شکل صحرائی برهوت در آوردند...

آری دوستان! و حالا هم آیت الله ما از محاسنات و معایب اینترنت و چگونگی استفاده از آن طبق شریعت اسلام استفرغ کرده است.

## گروپ جوانان حکمتیست در یاهو!

<http://groups.yahoo.com/javananekomonist>

گروپ جوانان حکمتیست محلی برای پیشبرد اهداف و سیاست های انسانی، مدرن و امروزی است. شما می توانید با پیوستن به این گروپ برای شرکت در بحث و مجادله فعال شرکت کنید. در اینجا می توانید نظرات و تحلیلان را بازگو کنید.

## "جوانان تریبون" ماهانه از سازمان جوانان کمونیست — حکمتیست منتشر می شود

شماره اول "جوان تریبون" به سردبیری عباس رضایی در نیمه اول ماه فوریه منتشر خواهد شد. "جوان تریبون" مجله ای از طرف جوانان و برای جوانان است. "جوان تریبون" به مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خواهد پرداخت. "جوان تریبون" محلی برای درج اظهار نظرها می شود. شما خواهید بود "جوان تریبون" را بخوانید و به دیگران معرفی کنید

آدرس تماس: [abbasrezaei2002@yahoo.com](mailto:abbasrezaei2002@yahoo.com)

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

این ابزارهاست که پایه "اسلام عزیز" را سست کرده اند آنچه که بعنوان ویژگی در مورد کردستان ایران می توان نام برد، اختلاف فازی بود که بین کردستان ایران با دیگر نقاط ایران شکل گرفت که خود محصول دوره تاریخی بعد از انقلاب ۵۷ است در این دوره یک مقاومت سیاسی و نظامی در ابعاد وسیع و توده ای در کردستان ایران علیه یورش جمهوری اسلامی شکل گرفت که کل جامعه را تحت تاثیر خود قرار داد به این دلیل جوانان در کردستان ایران، نسبت به دیگر جوانان در دیگر نقاط ایران از نظر سیاسی با تجربه تر و پخته تر بار آمدند جمهوری اسلامی بویژه از دوره ریاست جمهوری رفسنجانی به بعد به خیال خودش برای چرخاندن فضای سیاسی رادیکالی که در جامعه کردستان ایران بویژه نسل جوان آن شکل گرفته بود، شروع به امتیاز دادن و باد زدن ناسیونالیسم کرد از نوع پرو رژیم می آید که در دوره عروج دوم خرداد هم بعنوان پروژه این جناح نیز دنبال شد انواع مجلات، هفته نامه ها بزبان کردی و با محتوای دفاع از اسلام و خرافه اسلامی منتشر شدند که سخنگویان ناسیونالیست کرد آرا "پروژه آشتی-آشتی" نام نهادند با وجود این، تلاش هر دو جناح نتیجه ای نداد، آن انجمنها و محافل طرفدار رژیم اسلامی و جناحهای آن، بویژه جناح دوم خرداد که انتظارش را داشتند، شکل نگرفت جز در میان ماموران محلی خودشان. از میزان تنفر و انزجار عمومی مردم و بویژه نسل جوان به جمهوری اسلامی نیز نه تنها کاسته نشد، بلکه همچنان به قوت خود باقی ماند این را مردم و جوانان در سفری که خاتمی در سال ۷۹ به شهر سنجند کرد به جمهوری اسلامی نشان دادند از ویژگی دیگر کردستان ایران، گسترش حزبیت و تحزب در میان جوانان است در کردستان ایران بعلاوه قطبی شدن جامعه از لحاظ جنبش و احزاب سیاسی، کمونیسم و ناسیونالیسم در مقابل هم، در میان جوانان گرایش تحزب و حزبیت قوی است. بحث مفصل در این مورد در اینجا نمیگنجد، در این مورد اینجا همینقدر بگویم که کردستان جامعه ایست که در آن گرایش حزبی قوی است، در این جامعه کمونیسم جنبشی حاشیه ای نیست، جنبشی است اجتماعی که از لحاظ حزبیت نیز، معرفه و شناخته شده است با صفتی از رهبران و شخصیتهای سرشناس آن، خود را صاحب جامعه و همبطنر مسئول سرنوشت اکثریت عظیم توده کارگر و زحمتکش و دیگر مردم آزادخواه آن جامعه میدانند، یک پای معادله قدرت و رقم زدن سرنوشت سیاسی آن جامعه است جنبش ناسیونالیسم کرد و احزاب مربوطه نیز علیرغم بیگانگی و بی ربط بودن با مطالبات اقتصادی و اجتماعی مردم کردستان، اما جنبشی است که رو به قدرت دارد و از هر فرصتی که دست دهد برای زدن انگ خرافه ملی بر مطالبات و خواستههای مردم کردستان استفاده میکند بویژه از اعمال ستمگری ملی و سرکوب و تهاجم و لشگرکشی جمهوری اسلامی به مردم کردستان تقویت میشود و نیرو میگردد بنابراین هر مبارزه و اعتراضی سرریا در متن جنبش و احزاب مقابل آن معنی میشود آزادی فعالیت سیاسی یعنی بی قید و شرط آن بر افراد و احاد جامعه، تنها با بودن حزب کمونیستی قدرتمند ممکن است این را تجربه حضور علنی ما در شهرهای کردستان ایران، در جوار حزب

دمکرات و در کردستان عراق در ۱۳ سال گذشته بروشنی نشان داده است اگر نیروی جنبش ملی و احزاب مربوطه قدرت را در تحزب و تشکل خود، توده کارگر و دیگر مردم آزادخواه و برابری طلب نیز قدرت خود را در تحزب و تشکل خود دیده اند و تجربه کرده اند برای سایر تشکلهای دیگر شوراها و مجامع عمومی کارگران، تشکلهای چپ و رادیکال زنان، جوانان وقتی امکان فعالیت آزادانه و رادیکال هست که حزب کمونیستی، در کردستان ایران، حزب حکمتیست، حزبی سیاسی و قدرتمند که حتی در خارج شهرها نیز نیروی نظامی خود را مستقر کرده باشد، وجود داشته باشد نسل جوان در کردستان این واقعیت را تجربه کرده است به این دلیل گرایش به تحزب در او قوی است، جنبش رادیکال و سکولاریستی و ضد اسلامی جوانان برای رسیدن به مطالبات و خواستههایی که در بالا به آن اشاره کردم به این سازمان چپ و قدرتمند نیاز دارد، جنبش ناسیونالیستی و احزاب مربوطه نیرویی است در تقابل با این روند خوشبختانه هم اکنون این آنترناتیو، گرایش کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست وجود دارد، از موقعیت قوی و امید بخشی برخوردار است، جوانان و توده کارگر و دیگر مردم آزادخواه و برابری طلب کردستان با پیوستن به آن و تقویت آن میتوانند تناسب قوا را به نفع صف رادیکال و چپ جامعه در مقابل جمهوری اسلامی و ارتجاع داخلی تغییر دهند

**جوانان حکمتیست: بیشک گرایشهای اصلی که در مقابل هم صف آرایی کرده اند، ناسیونالیسم و کمونیسم است. این را کمی مشخصتر توضیح دهید**  
**نفوذ جریانات ناسیونالیست کرد در بین جوانان، موقعیت جنبش کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست چگونه است؟**

حمه سوز: فکر نمیکنم در مورد نسل جوان و جنبش سکولاریستی آنان این تقابل که شما میگویید یک به یک بر آن انطباق داشته باشد اینک تقابل این دو گرایش فعل و انفعالات آن جامعه را تحت تاثیر قرار میدهد، واقعی است. این درست، جوانان، رادیکال و پر شور و چپند و عموماً هم در انتخاب میان چپ و راست جامعه به چپ جامعه ملحق میشوند، در عین حال مسائل مشترکی که در میان همه آنان عمومیت دارد نیز جوانان را دارای خواستههای مشترکی و در نتیجه بهم نزدیک میکند برای مثال کشمکش هر روزه با جمهوری اسلامی با توجه به فشار و تزییقات و تحقیرهای هر روزه جمهوری اسلامی، اولویت دیگری را در دستور آنان قرار میدهد کمونیسم و تحزب کمونیستی در میان جوانان شهرهای کردستان ایران بدلیل حضور فعال کمونیسم در تقابل با جمهوری اسلامی و با بیش از دو دهه دفاع پرشور آن از سکولاریسم، از مدرنیسم، از برابری کامل زن و مرد، از مذهب زدایی در جامعه و دفاع از آزادی و برابری و نفس رفا و خوشبختی انسان، محبوب است، خوشنام است کمونیسم کارگری و اکنون حزب حکمتیست عمدتاً بر دوش جوانهای رادیکال و پرشور در کردستان به جلو برده میشود در عین حال جنبش جوانان بعنوان جنبشی سکولار و و تماماً ضد اسلامی یکی از جنبشهای قوی و قدرتمند در جامعه است که نیروی نسل جوان در کردستان ایران نیز شامل آن و در پیشبرد آن خود را با دیگر جوانان در دیگر نقاط

ایران کاملاً سهیم میدانند نفوذ ناسیونالیسم کرد در میان بخشهایی از جوانان کردستان را نمیتوان انکار کرد، ناسیونالیسم کرد از هر فرصتی برای زدن انگ سیاسی خود بر تحرکات جوانان استفاده میکند نکته اینجاست که خود ناسیونالیسم کرد با آرزوها و مطالبات و خواستههای مدرن و سکولار جوانان کمتر از اسلام و حکومت اسلامی، در تقابل نیست ناسیونالیسم کرد بشدت مذهب زده است، مدافع خرافه و عقب ماندگی است و به آن افتخار میکند، ضد سکولاریسم و ضد مدرنیسم است. حزب دمکرات، حزب اصلی ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران، یکی از افتخاراتش این است که برنامه های رادیویی خود را با آیاتی از "قران مجید" شروع میکنند ناسیونالیسم کرد و احزاب آن بشدت زن ستیز و مدافع تثبیت ستم و تبعیض و نابرابری بر زن در جامعه اند، کاملاً مخالف برابری کامل زن و مرد هستند، این را همین چند روز پیش نیز مجدداً در کنگره ای که در مورد بررسی مشکلات "زن کرد" در تهران برگزار شد در همسویی با قوانین اسلامی ضد زن علناً به جامعه و به شرکت کنندگان در این کنگره نشان دادند آنچه که در اربیل کردستان عراق بر زنان میگذرد کمتر از حضور جمهوری اسلامی در شهرهای ایران و یا کشورهای اسلام زده نیست آنچه که در مدت ۱۳ سال گذشته بر زن در کردستان عراق تحت حاکمیت اتحادیه میهنی و پارتی (حزب دمکرات کردستان عراق) گذشته و اکنون نیز میگذرد، کمتر از حاکمیت اسلام و قوانین اسلامی در کشورهای اسلام زده نیست ناسیونالیسم کرد مردسالار، "تاموس" پرست و در جامعه و خانواده مدافع مرد و علیه زن است، فرهنگ و رفتار اسلامی دارد، مخالف آزادی نیازهای جنسی جوانان است. به این دلیل جز در میان بخشی از جوانان، جذابیت چندانی ندارد ناسیونالیسم کرد در بخشی از جوانان به محرومیتهایی که دولت بورژوازی مرکزی و اکنون جمهوری اسلامی بعنوان ستم ملی بر مردم کردستان تحمیل کرده است، متکی است اینها اگر عرق ملی ناسیونالیستهای خارجه نشین را اندکی تسکین میدهند، جوان پرشور و ملیتات و سکولار را در کردستان جذب نمیکنند، زن برابری طلب را اصلاً جذب نمیکنند سال ۵۷ نیروی چپ جامعه کردستان، بودن با حزب دمکرات را برای خود عار میدانست و به ما پیوست. این جنبش جنبشی عقب افتاده، پوسیده که به عقب افتادگی در جامعه افتخار میکند، خود در تقابل با خواستهها و مطالبات این نسل این روند قرار دارد، به این دلیل نفوذش هم سطحی است

**جوانان حکمتیست: یک موقعیت مطلوب چیست؟ چه باید کرد، فراخوان شما چیست؟**

حمه سوز: موقعیت مطلوب جمع شدن هرچه بیشتر جوانان زیر پرچم حزب حکمتیست، سازمانیابی آنها در محافل و شبکه های کمونیستی و روی آوری هرچه بیشتر نسل جوان به جوانان کمونیست - حکمتیست است، که متأسفانه روی آوری و سازمانیابی جوانان در سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست با درجه نفوذ حزب و جنبش ما زیاد خوانائی ندارد میتوان و باید روی آوری به جوانان حکمتیست را گسترش داد. روی دیگر موقعیت مطلوب، روی آوری بیشتر جوانان به فعالیتهای اجتماعی و دخالت در مسائل و مشکلاتی است که

مردم و جامعه با آن درگیرند خوشبختانه در یکی دو سال اخیر روی آوری جوانان به این عرصه ها بیشتر شده است، این را میتوان از گسترش نهادهای و انجمنهای دفاع از حقوق کودک، دفاع از حقوق زنان، دفاع از معتادان، در انجمنها و کلوپهای ورزشی و تفریحی و کوهنوردی و غیره مشاهده کرد روی آوری به حزب ما و حزبیت روندی است در حال گسترش در این مشکل چندانی نیست، در مورد فعالیتهای "علنی قانونی" در سطح جامعه هنوز کمبودها زیادند، هنوز در این عرصه از کار جوانان وارد جدل و کشمکشهای سیاسی و فکری و فرهنگی و هنری نشده اند، هنوز در مراحل اولیه خود هستند باید اذعان کرد که این وجه از فعالیت جدید است، پیچیده است و هنوز به اندازه کافی جا نیفتاده است، جریان "کنگره بررسی مشکلات زن کرد" در تهران نشان داد که این کانونها و نهادها در این عرصه خواه ناخواه وارد این جدلها و کشمکشها خواهند شد دست بردن به مسائل ریشه ای در جامعه کاری نیست که صرفاً با اطلاعیه دادن و سایت درست کردن پیش برد، اینها البته لازم است، اما فضای سیاسی قطبی حزبی و جنبشی در کردستان ایران، خواه ناخواه هر نهاد و انجمن و کانونی را چه در دانشگاهها و چه در سطح شهر به درون این جدلها خواهد برد، باید برای آن بیشتر کار کرد و خود را آماده تر کرد نیروی جوان رادیکال و پرشور و ملیتات و ضد اسلامی و ضد جهل و خرافه نیروی جنبش و حزب حکمتیست است، باید آنان را سرعت جذب کرد در عین حال نباید نیروی احزاب جنبش ملی و ناسیونالیسم کرد را دست کم گرفت، نباید امکانات بالقوه آنان را دست کم گرفت، نباید فشار افکار سازی خرافه ملی را در شرایط ستمگری ملی توسط جمهوری اسلامی در میان جوانان دست کم گرفت باید روی آموزش این نسل پرشور و رادیکال از طریق در دسترس قرار دادن رهبران و شخصیتهای حزب حکمتیست و سازمان جوانان حکمتیست، از طریق در دسترس قرار دادن نشریات و ادبیات حزبی بویژه آثار منصور حکمت در سطح وسیعی تاکید کرد شرایط مطلوب تنها با کار مطلوب و هماهنگ و پیگیر بدست میآید باید با این نسل دیالوگ کرد، رابطه گرفت و از این طریق فاصله و شکافی اگر باشد پر کرد

فراخوان من به جوانان کردستان در هر کجا که هستند، در دانشگاهها، در محلات در کانونها و محافل طبیعی خود، در کلوپهای ورزشی و غیره این است که حول پرچم سیاسی و برنامه ای حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست و سازمان جوانان حکمتیست جمع شوند در عرصه فعالیتهای اجتماعی توده ای بیشتر درگیر شوند، در ایجاد و گسترش کانونها و نهادها و کلوپهای خاص جوانان بیشتر تلاش کنند، پیشنهاد مبارزه و اعتراض علیه سنت و فرهنگ و اخلاقیات عقب مانده و دست و پاگیر، علیه خرافه ملی و اسلامی و مذهب باشند، حامل فضای سیاسی باز و آزاد اندیشی باشند، پرچمدار آزادی بی قید و شرط سیاسی و آزادی و برابری باشند، از برابری کامل زن و مرد دفاع کنند، خود را به مبارزه جوانان دیگر شهرهای ایران و محیطهای دانشگاهی در تهران و دیگر شهرهای ایران مرتبط کنند، به ما بپیوندند، ما را همیشه در کنار و در پیشاپیش خود دارند



حامد خاکي

hkhaki50@yahoo.com

وجود یک کاپیتالیسم متعارف در ایران با درجه‌ای از رشد و توسعه اقتصادی و آزادی بیشتر سرمایه‌ها، توان بیشتر سرکوب کارگران و یک رابطه حسنه با آمریکا.

اینها رویاهای همیشگی رژیم جمهوری اسلامی بوده است و همه اینها به استثنای این آخری رویاهای رژیم سابق و به نوعی کل رژیمهای بورژوازی در ایران بوده و خواهد بود. اینکه چرا و راه‌حلی چیست مختصری به آن خواهیم پرداخت اما آنچه اینجا می‌خواهم بگویم این است که ظاهراً قرار است اینها به شعارهای مضحکه احتمالی دور آتی تبدیل شود. ظاهراً قرار است از میان محسن رضایی، فرمانده سابق سپاه و دبیر کنونی شورای تشخیص مصلحت و رفسنجانی یکی نقش منحوس رئیس جمهور یا حداقل کاندید رئیس جمهوری را به عهده بگیرد که حول این خواستها جبهه‌های می خواهد بسازد و به قول خودشان پرونده نیمه بسته خاتمی را تکمیل کنند.

رضایی و سیستم اقتصاد شکوفا!!

محسن رضایی هنوز کاندید ریاست جمهوری نشده است اما چند روز قبل در دانشگاه بهشتی شمه‌ای از طرح خیمه‌شب‌بازی‌ای را گفت که ظاهراً قرار است راه بیاندازند. رضایی از تشکیل دولتی مقتدر،

رضایی و رویاهای ممنوعه توسعه اقتصادی!

توسعه اقتصادی، شکوفایی و راه حل برخورد به آمریکا و خلاصه اینکه متعارف کردن سیستم بورژوازی حرف زد، جهت ایجاد اطمینان خاطر اشاره کرد که اقتصاد هم خوانده!! از طرح‌های توسعه گرفته تا ایجاد بازارهای مشترک در اطراف ایران و تا فدرالیسم اقتصادی و تا از سر راه برداشتن آمریکا هر چه در چنته داشت رو کرد به جز افشاگریهایی در مورد رفسنجانی که قول داد بعدا بکند. اما گذشته از شوخی تمام این حرفها و شعارها حتی برای رژیم مفت نمی‌ارزد. اینها شلیک به تاریکی است، وگر نه صد رضایی بیاید و برود و هزار آخوند خنده‌روتر بیاورند و ببرند مردم و همان دانشجویانی که ایشان در دانشگاهشان بوده‌اند، تا سرنگونی کامل این رژیم از پای نخواهند نشست. اولاً که تحقق اینها غیر ممکن است. در واقع باید گفت؛ اصلاً سرمایه داری در ایران نمی‌تواند متعارف شود. رشد سرمایه‌داری در ایران مستلزم سرمایه‌گذارهای کلان خصوصی و خارجی است و این قبل و بیش از هر چیز نیازمند نیروی کار ارزان و خاموش است، به عبارتی استاندارد تولید و سودآوری سرمایه باید همپای استانداردهای جهانی باشد در حالی که استاندارد وضعیت نیروی کار نباید حتی مانند سیستمهای بورژوازی معترف و امروزی باشد. بورژوازی در ایران بدون ایجاد و توسعه سرکوب و قهر سیستماتیک نمی‌تواند به رشد و شکوفایی دست یابد. بنابراین این آرزوی ممنوعه تنها جمهوری اسلامی نیست، بلکه آرزوی ممنوعه و دست‌نیافتنی نیروهای راست غربی اپوزیسیون هم هست. و مهم‌تر از همه اسلامی بودن این

معیشت خودشان و سیستم کثیف سرمایه‌داری اسلامی است. ایجاد نه ۴، ۵ تا بازار مشترک بلکه هزارها بازار مشترک درد مردم و کارگران را دوا نمی‌کند. مردم چیز دیگری می‌خواهند؛ سرنگونی جمهوری اسلامی. سوسیالیسم. این مشت شعارهای پوچ اما قرار است این بار جمعی از یاران درون و برون حکومت را سرگرم کند و بازی دهد. دوم خرداد اکثریت و حزب توده و امثالهم را برد و این یکی انگار قرار است خیل مشروطه‌خواه و ملیون را بازی دهد. البته اگر خودش مجال یابد. اما این بار در حول و حوش انتخابات سولات دیگری نیز وجود دارد که به مراتب جدی‌تر است. آیا این بار عکس‌العمل مردم چه خواهد بود؟ آیا مردم اینبار متوسل به تقابل با کاندیداهای توصیه شده می‌شوند؟ یا تحریمی وسیع علیه کل این مضحکه صورت خواهد گرفت؟ رژیم چه‌کار خواهد کرد؟ آیا دوم خرداد در صدد علم کردن مترسک دیگری خواهد بود؟ آیا این بار جناحی دیگر از رژیم خواهد توانست خیمه‌شب‌بازیهایی مانند هشت سال گذشته راه بیاندازد؟ توازن قوا بین مردم و رژیم به حدی تغییر کرده که این بار دیگر مردم بهانه‌هایی مانند دوم خرداد نیاز نداشته باشند. جنبش سرنگونی به آن درجه از رشد رسیده که هیچ خیمه‌شب‌بازی حتی یک بخش کوچکش را و برای یک لحظه هم که شده مجاب نکند. هیاهوی دوم خرداد با همه نیروهای بیرون و درون حکومتش به یمن وجود کمونیستها چنان نقش بر آب شد که به سرعت به لاشه بی‌خاصیتی تبدیل شد. و این کمونیستها هنوز وجود دارند و قوی‌تر و آب دیده‌تر نیز شده‌اند.

نشریه مکتب منتشر شد. نشریه مکتب نشریه سیاسی تئوریک مآزب کمونیست ۵ ار ۵ ری ایران - مکتبست است. برای خواندن این نشریه به سایت زیر مراجعه کنید: www.hekmat.cc

پرتو، برنامه ای از حزب حکمتیست. تلویزیون پرتو برنامه ای است از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست. تلویزیون پرتو، تلویزیونی چپ، رادیکال، آزادخواه و برابری طلب است. برنامه های این تلویزیون را ببینید و دیدن آن را به همه دستداران آزادی و برابری توصیه کنید. تلویزیون پرتو تربیونی از آن همه کسانی است که در خفقان اسلامی به دنبال رسانه ای باز و حقیقت جو می گردند. این برنامه ها هر دوشنبه ۱۱ تا ۱۲ شب به وقت تهران (۸:۳۰ تا ۹:۳۰) بعدظهر به وقت اروپای مرکزی و ۱۲:۳۰ تا ۱۳:۳۰ به وقت امریکای غربی از کانال یک پخش می شود. این برنامه ها سه شنبه ها ساعت ۱۱ تا ۱۲ ظهر به وقت تهران مجدداً پخش می شود. برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است: www.hekmatist.com/parto

به سازمان ها و انجمن ها: www.sjk-hekmatist.com www.hekmatist.com www.iskraa.com www.m-hekmat.com www.rahai-zan.com www.iran-tribune.com

دبیر سازمان: بهرام مدرسى bahramsjk@yahoo.com تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۰۲۰۱ فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۳۳۶۱۱۳

سردبیر: فواد عبداللهی foadsjk@yahoo.com تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

مشاور سردبیر: محمد فتاحی fatahi100@yahoo.com

مسئول خارج کشور: جمال کامانگر jkamangar@yahoo.com تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۰۶۱۹۱

مسئول مانی: نسیم رهنما nasimrahnamadk@yahoo.com تلفن: ۰۰۴۴۷۸۲۴۲۴۵